مادر امام سجاد (علیه السلام)

<"xml encoding="UTF-8?>

طلیعه

از آنجا که بخشی از زندگی و تربیت معصومان (علیهم السلام) به مسئله «مادر و نیاکان مادری» آنان، اختصاص دارد؛ زیبنده است که در نگارش زندگینامه هر معصومی، به این موضوع نیز پرداخته شود .
درباره مادر بزرگوار امام سجاد (علیه السلام) ضرورت پژوهش، بیشتر خواهد بود؛ چرا که گوناگونی اقوال و ابهامات تاریخی، بیانگر «تحریف در گزارش وقایع» می باشد. از این رو برخی از مورخان، محدثان و نویسندگان به «نقد علمی» اخبار و احادیث پرداخته و به نتیجه مطلوبی رسیده اند.

نام مادر امام (علیه السلام)

با بررسی منابع تاریخی و روایی، این اسامی را می توان به دست آورد:
«ام سلمه، بره، جهان بانویه، جهان شاه، حرار، خوله، سلافه، سلامه، شاه زنان، شهربان، شهربانو، شهربانویه، شهرناز، شه زنان، غزاله، فاطمه و مریم.»

در منابع اهل سنت، بر نام های سلافه، سلامه و غزاله تاکید شده؛ در حالی که در کتابهای شیعی، نام «شهربانو» بیشتر آمده است . این نام را می توان در قدیمی ترین منابع امامیه یافت؛ از جمله: بصائرالدرجات و اصول کافی . (1)

نیاکان شهربانو

درباره خاندان این بانوی ایرانی، چند نظریه وجود دارد:

الف) ساسانی بودن؛ ب) کابلی بودن؛ ج) سیستانی بودن؛ د) سندی بودن .

دانشورانی چون: یعقوبی (متوفای 281 ق)؛ محمد بن حسن صفار قمی (متوفای 290 ق)؛ کلینی (متوفای 329ق)؛ شیخ صدوق (متوفای 381ق)؛ و شیخ مفید (متوفای 413ق). - با وجود اختلاف در نام وی - او را دختر یزدگرد سوم (آخرین پادشاه ساسانی) دانسته اند .

عده ای نیز «نام پدر شهربانو» را این گونه معرفی کرده اند:

1 . سبحان؛ 2 . سنجان؛ 3 . نوشجان؛ 4 . شیرویه . (2)

وجه مشترک و مورد قبول این اقوال را می توان در یک عبارت گنجانید؛ یعنی «شهربانو، دختر یکی از بزرگان و سرشناسان ایران زمین می باشد.»

قابل توجه است که عالمان و پژوهشگران برجسته ای چون «شهید مطهری» بر شاهزاده بودن وی، اشکالاتی وارد ساخته اند؛ به طوری که آن استاد شهید فرموده است: «... اگر از زوایه تاریخ بنگریم، اصل داستان شهربانو و ازدواج او با امام حسین (علیه السلام) و ولادت امام سجاد (علیه السلام) از شاهزاده ای ایرانی، مشکوک است...» (3)

اسارت و آزادگی

در خصوص زمان و چگونگی ورود شهربانو به کشور اسلامی نیز روایات مختلفی وجود دارد که عبارتند از:

الف) به اسارت افتادن وی در دوره خلافت عمر بن خطاب .

ب) فرستادن وی و خواهرش به نزد عثمان از سوی والی خراسان .

ج) فرستادن دختران یزدگرد به حضور امام علی (علیه السلام) توسط کارگزار حضرت .

با توجه به این تعارض، به نقد و بررسی هر یک از گزارش های تاریخی می پردازیم .

شاهزادگان و خلیفه دوم

موقعی که اسرای ایران در مدینه بر عمر بن خطاب وارد شدند، شاه زنان که دید مسجد پر از جمعیت است و خلیفه مسلمین تند به او نگاه می کند، صورت خود را پوشانید و به سبب شدت ناراحتی، فریاد زد: «سیاه باد روزگار هرمز که فرزندانش اسیر شدند!» {به نقل دیگر: عمر خواست به صورت و چشم شهربانو نگاه کند؛ لذا وی مانع شد و گفت: «سیاه باد روز هرمز (پرویز) که تو به فرزند او دست دراز می کنی.» ناسخ التواریخ حضرت علی بن الحسین السجاد (ع)، ج 1، ص 13 - 16، مؤسسه مطبوعات دینی، قم} خلیفه که به زبان فارسی آشنایی نداشت، گمان کرد که شاه زنان وی را دشنام می دهد، خشمگین شد. در این هنگام، امام علی (علیه السلام) با ترجمه سخن او به عربی، خشم عمر را فرو نشانید. خلیفه تصمیم گرفت دختران شاه ساسانی را همچون دیگر اسیران جنگی، به مزایده بگذارد؛ اما امام علی (علیه السلام) به او چنین گوشزد کرد که: بر اساس فرمایش و سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) باید به «بزرگ زادگان» اکرام و احترام نمود. (4)

در ادامه این ماجرا و چگونگی آزادی آنان، چند قول وجود دارد:

الف) عمر تصمیم گرفت آنان را بفروشد، امام علی (علیه السلام) فرمود: «طریقه فروش آنها چنین است که قیمت هر یک را باید مشخص ساخت تا هر مسلمانی هر کدام را که خواست، خریداری کند.»

پس از تعیین بهای دختران، امام آنان را خریداری کرد .

ب) امام فرمود: «بر طبق سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آنها را نمی توان فروخت بلکه مختارند یکی از مسلمانان را به عنوان همسر خود برگزینند و از سهمیه غنیمت و بیت المال آن مسلمان به شمار آیند.» (5)

ج) امام در حضور جمعیت فرمود: «من نصیب خودم را از اسیران، در راه خدا آزاد کردم.» بنی هاشم نیز سهام خودشان را به امیرمؤمنان (علیه السلام) بخشیدند، آنگاه حضرت عرض کرد: «خدایا! شاهد باش که آنچه بنی هاشم از نصیب خود به من بخشیده اند، من همه آنان را فی سبیل الله بخشیدم .»

مهاجرین و انصار پس از مشاهده این صحنه زیبای معنوی، با مسرت و علاقه ای خاص عرض کردند: یا علی! ما نیز حقمان را در اختیار تو می گذاریم. از این رو، امام یکبار دیگر خداوند را گواه می گیرد که پس از قبول کردن سهام مسلمانان، دختران اسیر را در راه خدا آزاد نموده است. اما خلیفه دوم با ناراحتی خطاب به امیرمؤمنان (علیه السلام) گفت: چرا تصمیم مرا درباره اسیران عجم برهم زدی؟ چه قصدی از این کار داشتی؟! آن حضرت مجددا یادآور شد که: این اسیران به «اسلام» علاقه مند و مایل هستند و روش پیامبر (صلی الله علیه و آله) چنین بود که بزرگان هر قوم و خاندانی را محترم می داشت .

عمر بن خطاب بعد از شنیدن کلام مستدل امام علی (علیه السلام)، گفت: اکنون من هم سهم خود را و بقیه آنچه را که به غنیمت مسلمانان درآمده، همه را به تو بخشیدم . در اینجاست که امیرمؤمنان (علیه السلام) آخرین مرحله «آزادی» شاهزادگان ایرانی را با این گفتار به اجرا می گذارد:

«خدایا! گواه باش که آنچه او به من بخشید، پذیرفتم و آنها را در راه تو آزاد ساختم.» (6)

حال اگر بخواهیم این داستان را مورد نقد و بررسی قرار دهیم، به چند مسئله می توان بسنده کرد:

1 . گوناگونی و تعارض موجود در متن روایات و گزارش های تاریخی .

2 . ضعف سند، به جهت وجود راویانی چون: عمرو بن شمر و ابراهیم بن اسحاق احمر؛ چرا که آنان از دیدگاه

دانشوران علم رجال و حدیث، ثقه و مورد تایید نیستند .
3 . بنا بر قول مشهور، امام سجاد (علیه السلام) در سال 37 هجری به دنیا آمده و عمر بن خطاب در سال 23 هجری کشته شده است؛ یعنی اگر شهربانو در آخرین سال خلافت عمر به اسارت درآمده و با امام حسین (علیه السلام) ازدواج نموده باشد؛ معنا و مفهوم آن، چنین خواهد شد که وی حداقل بعد از 14 سال «نازایی» به ولادت فرزندش امام سجاد (علیه السلام) نایل آمده است. و به راستی که پذیرش این مطلب، بسیار دشوار و شگفت بوده و نیاز به توجیه دارد!
4 . و آخرین کلام اینکه، گزارش فوق با روایات بعدی در تعارض کامل است . (7)

از خراسان تا مدینه

در کتاب عیون اخبار الرضا آمده است که سهل بن قاسم نوشجانی می گوید:
امام رضا (علیه السلام) به من فرمود: بین ما و شما نسب و رابطه خویشاوندی وجود دارد . پرسیدم: چگونه؟! فرمود:
«هنگامی که عبدالله بن عامر {بن کریز} خراسان را فتح کرد، دو نفر از دختران یزدگرد بن شهریار را به دست آورد؛ آنها را به مدینه و نزد عثمان فرستاد . خلیفه، یکی را به حسن (علیه السلام) و دیگری را به حسین (علیه السلام) بخشید و هر دو، در حال نفاس از دنیا رفته اند. و آن دختری که به حسین (علیه السلام) بخشید، مادر علی بن الحسین (علیه السلام) بود.» (8)
آقای عبدالرزاق مقرم، در ارزیابی این روایت، می گوید:
«روایت فوق تقریبا صحیح به نظر می آید؛ زیرا فتح خراسان در سال 30 هجری - ششمین سال خلافت عثمان - واقع شد و در همین سال نیز یزدگرد در مرو کشته شد. بر این اساس، بعید نیست که شهربانو به مدت شش سال باردار نشده باشد.» (9)
اما آقای دکتر شهیدی این روایت را نیز مردود شمرده است . (10)

در بارگاه خورشید

شیخ مفید، فتال نیشابوری و فضل بن حسن طبرسی این گونه روایت کرده اند:
وقتی امیرمؤمنان (علیه السلام) به خلافت و حکومت رسید، حریث بن جابر حنفی را به عنوان کارگزار خود به مشرق زمین اعزام کرد . وی پس از مدتی، دو نفر از دختران یزدگرد را به دست آورد؛ لذا آنان را نزد امیرمؤمنان (علیه السلام) فرستاد. آن حضرت، شهربانو (شاه زنان) را به حسین (علیه السلام) بخشید - که زین العابدین

(علیه السلام) از او متولد شد - و دیگری را به محمد بن ابی بکر بخشید - که از وی قاسم به دنیا آمد - لذا این دو مولود، پسرخاله یکدیگر هستند . (11)

آقای مقرم می گوید:

«بر هیچ اندیشمندی پوشیده نیست که روایت شیخ مفید، فتال و طبرسی ... به حقیقت نزدیک تر است؛ زیرا امام سجاد (علیه السلام) بدون اختلاف، در زمان خلافت جدش امیرمؤمنان (علیه السلام) متولد شد و سه سال با آن حضرت بود .» (12)

به عقیده آقای مقرم: «هیچ کدام از این دو روایت (فرستادن شاهزادگان به حضور عثمان و امام علی علیه السلام)، دلالت بر این ندارد که این دو بانو به اسیری گرفته شده باشند . و شاید علاقه آنها به مسلمانان {و دین اسلام} موجب شده بود که والیان بتوانند به آنها دست یابند.» (13)

دکتر شهیدی در این خصوص می گوید:

«با این دو روایت، مشکل زمان - که در روایت کافی دیده می شد - برطرف شده و استبعاد فاصله ازدواج و تولد امام (علیه السلام) نیز از میان رفته است . اما این روایت نیز درست به نظر نمی رسد؛ چه نام حریث بن جابر در شمار کارگزاران علی (علیه السلام) دیده نمی شود.»

وی سپس اسامی کارگزاران حکومت علوی در خراسان و عدم اسارت دختران یزدگرد را، به تفصیل بیان کرده است . (14)

ولیکن نویسنده سیمای کارگزاران علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین (علیه السلام) (15) می گوید:

«...این احتمال به ذهن می رسد که حریث بن جابر همراه با خلید بن قره یربوعی به خراسان رفته است و به این خاطر، عده ای از راویان تاریخ، وی را و عده ای دیگر، خلید را به عنوان والی خراسان ذکر کرده اند.»

عروس عترت

در ادامه روایت و گزارش «اسارت دختران یزدگرد در عصر خلیفه دوم» آمده است:

بسیاری از مسلمانان به دختران شاه پیشنهاد ازدواج دادند؛ اما امیرمؤمنان (علیه السلام) مردم را آگاه ساخت که آنان در «انتخاب شوهر» آزاد هستند . یکی از دختران (شهربانو) از میان جمعیت، دست بر شانه امام حسین (علیه السلام) نهاد و سپس امیرمؤمنان علی (علیه السلام) را وکیل خود قرار داد تا وی را به عقد پسرش درآورد ... (16)

امام علی (علیه السلام) نخست از وی پرسید:

- نام تو چیست؟

- جهان شاه (شاه زنان) .

- نه، شهربانو .

در این گفت و گو، که به زبان فارسی دری صورت گرفت، امام (علیه السلام) نام عروس خود را تغییر می دهد؛ چرا که فقط حضرت فاطمه علیها السلام شایسته لقب و عنوان «خیرالنساء» و «ملکة النساء» (سرور و ملکه بانوان)

بوده و برای همسر فرزندش حسین (علیه السلام) نام یا لقب شهربانو (ملکة المدینه و بانوی شهر) زیبنده خواهد بود. (17)

شایان توجه است که طبق نقل دلائل الامامة، وقتی شهربانو، امام حسین (علیه السلام) را به همسری خود برگزید، خواهرش مروارید {به روایت شیخ مفید، نام خواهرش «کیهان بانویه » بود. ریاحین الشریعه، ج 3، ص 14} هم امام حسن (علیه السلام) را انتخاب کرد . (18) هم چنان که بر اساس عیون اخبار الرضا، عثمان یکی از دختران را به امام حسن (علیه السلام) و دیگری را به امام حسین (علیه السلام) بخشید .

و بنا به روایت ارشاد، امیرمؤمنان علی (علیه السلام) شاه زنان را به حسین (علیه السلام) و دیگری را به محمد بن ابی بکر داد.

ولی در نقل ربیع الابرار آمده است که در خلافت عمر، سه دختر یزدگرد اسیر شده بودند... علی (علیه السلام) شخصا قیمت آنان را به خلیفه پرداخت و سپس میان حسین (علیه السلام)، محمد بن ابی بکر و عبدالله بن عمر قسمت کرد و به ازدواج آنها درآورد . (19)

نور محبت

همان طور که بیان شد، شهربانو از میان تمام مسلمانان، امام حسین (علیه السلام) را به عنوان شوهر برگزید .

برخی علت این «انتخاب» را چنین نقل کرده اند:

پیش از آنکه این بانو به دست مسلمانان بیفتد؛ یک شب، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امام حسین (علیه السلام) را در عالم خواب می بیند که آن حضرت وی را برای نوه اش خواستگاری می کند؛ لذا محبت حسین (علیه السلام) در دلش ایجاد می شود . و در شب دوم، حضرت فاطمه علیها السلام را مشاهده می کند که به وی بشارت می دهد: به زودی مسلمانان پیروز می شوند و او به وصال فرزندش حسین (علیه السلام)، که پیامبر (صلی الله علیه و آله) او را به ازدواج وی درآورده، خواهد رسید و غیر او هیچ یک از مسلمانان به وی دست نخواهند یافت .

حضرت فاطمه علیها السلام دین اسلام را به شهربانو عرضه می کند و او نیز در عالم رؤیا مسلمان می شود. (20)

شهربانو نیز در این باره می گوید:

«...خداوند مرا حفظ کرد تا اینکه مرا به مدینه آوردند. وقتی امام حسین (علیه السلام) را دیدم، دانستم که همان است که در خواب دیدم و پیامبر مرا به او تزویج کرد؛ لذا وی را به همسری برگزیدم.» (21)

افتخار مادری

شهربانو به سبب پیوند ازدواج با امام حسین (علیه السلام)، مرحله جدیدی از زندگی را آغاز کرد که قبل از آن فقط در عالم رؤیا و آرزو قابل تحقق بود. آری! وی از میان بسیاری از دوشیزگان به این سعادت و عزت رسیده است که برای پیامبر و خاندانش (علیهم السلام) «عروسی ممتاز» باشد؛ چرا که در همان روز نخستین آشنایی با خاندان نبوت و امامت و به هنگام عقد ازدواج، از زبان امیرمؤمنان (علیه السلام) این بشارت را شنید که حضرت به پسرش امام حسین (علیه السلام) فرمود:

«یا اباعبدالله! احتفظ بها فانها ستلد لک خیر اهل الارض و هی ام الاوصیاء الذریة الطیبة؛ ای اباعبدالله! از او محافظت کن؛ زیرا به زودی بهترین اهل زمین را برایت متولد خواهد ساخت . و او، مادر امامان از ذریه طیبه است .» (22)

سرانجام پس از مدت زمانی (یک یا چند سال) انتظار به سر رسید و بشارت آسمانی تحقق یافته و بهترین اهل زمین، علی بن الحسین (علیه السلام)، متولد شد و دیدگان پدر، مادر و خاندان علوی روشنایی دیگر یافت .

عروج به ملکوت

از آنجا که شهربانو در همان روزهای آغازین میلاد امام سجاد (علیه السلام) چشم از دنیا فروبسته است و تاریخ رحلت وی، با فاصله ای کوتاه، با تاریخ ولادت آن حضرت مقارن می باشد؛ سزاوار است اقوال مورخان را درباره روز تولد امام (علیه السلام) یادآور شویم:

- پنجم شعبان؛
- هشتم شعبان؛
- نهم شعبان؛
- یازدهم رجب؛
- هشتم ربیع الاول؛
- نیمه جمادی الاول؛
- نیمه جمادی الثانی . (23)

البته در تعیین سال تولد نیز اختلاف وجود دارد (35، 36، 37، 38، 48 و 49) . (24)

به هر حال، شهربانو بعد از چند روز از تولد یگانه فرزندش و در همان دوره نفاس به علت بیماری، رحلت کرد و پیکر مطهرش در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد و شهر مدینه به سوگ «بانویی مقدس» سیه پوش گردید . (25)

جایگزین مادر

چند روز از ولادت امام سجاد (علیه السلام) نگذشته بود که مادرش شهربانو رحلت کرد؛ از این رو، امام حسین (علیه السلام) دایه ای انتخاب کرد تا برای نوزادش مادری کند و در تربیت وی بکوشد. به همین جهت است که امام سجاد (علیه السلام) تا سنین بزرگسالی از زحمات دایه مهربانش قدردانی نموده و نام مقدس «مادر» را برایش برگزیده بود.

امام سجاد (علیه السلام) با مادر ناتنی خود، هم غذا نمی شد؛ زیرا می فرمود: «از آن می ترسم که مادرم بخواهد لقمه ای را بردارد و من بر او سبقت بگیرم و عاق او گردم.» (26)

عده ای از دانشمندان معتقدند: «دایه حضرت، کنیز امام حسین (علیه السلام) بود.» (27) و آقای عمادزاده احتمال می دهد که مربی و دایه حضرت، یا خواهر شهربانو باشد و یا کلفت وی . (28)

به هر حال، آن امام همام بعد از حادثه «عاشورا» مادر ناتنی اش را به عقد غلامی (زید یا زبید) درآورده و در پاسخ به برخی گلایه ها و شایعات، می فرمود که این بانو، دایه و مربی وی می باشد نه مادر اصلی اش . (29)

تحریفاتی دیگر

در برخی از کتاب ها، متاسفانه تحریفاتی دیده می شود که فاقد ارزش علمی است؛ از جمله:

الف) حضور شهربانو در کربلا؛

ب) غرق شدن و خودکشی شهربانو در رودخانه فرات؛

ج) سوار شدن وی بر ذوالجناح یا اسبی دیگر و آمدنش به ایران و سرانجام غائب و پنهان گشتن او در کوه (کوه بی بی شهربانو شهر ری).

قصه پردازان به انگیزه های مختلف، این حکایات بی اساس را در میان برخی کتاب ها و در بین عوام، چنان با آب و تاب وارد ساخته اند که جایگزین وقایع تاریخی شده است . از این رو پژوهشگران، هر یک به نوبه خود، به تجزیه و تحلیل و نقد این قبیل تحریفات پرداخته اند؛ همچون: شهید مطهری، شیخ ذبیح الله محلاتی و دکتر سید جعفر شهیدی . (30)

پی نوشت ها :

1 . زندگانی علی بن الحسین (ع)، سید جعفر شهیدی، ص 10 و 11، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، پنجم، 1373 ش؛ پرسش ها و پاسخ ها، دفتر سیزدهم، ص 74، دفتر نشر معارف، قم، اول، 1382 ش .

2 . زندگانی علی بن الحسین (ع)، ص 11 و 12؛ زندگانی امام زین العابدین (ع)، عبدالرزاق مقرم، ترجمه حبیب روحانی، ص 30، آستان قدس رضوی، اول، 1374 ش؛ پرسش ها و پاسخ ها، ص 76 و 77 .

3 . ر . ک: خدمات متقابل اسلام و ایران، ص 120 - 134، صدرا، قم، نهم، 1357 ش .

4 . زندگانی امام زین العابدین (ع)، ص 25؛ ریاحین الشریعه، شیخ ذبیح الله محلاتی، ج 3، ص 13 .

5 . زندگانی امام زین العابدین (ع)، ص 25؛ زندگانی علی بن الحسین (ع)، ص 12 و 13 .

6 . زندگانی امام زین العابدین (ع)، ص 28 و 29 .

7 . ر . ک: همان، ص 29 و 30؛ زندگانی علی بن الحسین (ع)، ص 13 - 19؛ پرسش ها و پاسخ ها، ص 75 - 79؛ خدمات متقابل اسلام وایران، ص 131و132 .

8 . زندگانی امام زین العابدین (ع)، ص 24 .

9 . همان، ص 29 .

10 . ر . ک: زندگانی علی بن الحسین (ع)، ص 19و20 .

11 . زندگانی امام زین العابدین (ع)، ص 24 .

12 . همان، ص 29 .

13 . همان، ص 24 و 25 .

14 . ر . ک: زندگانی علی بن الحسین (ع)، ص 20 - 22 . 15 . سیمای کارگزاران علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین (ع)، علی اکبر ذاکری، ج 1، ص 428، دفتر تبلیغات اسلامی، دوم، 1373ش .

16 . زندگانی امام زین العابدین (ع)، ص 25 - 27 .

17 . ر . ک: همان، ص 27 و 28 و منتهی الآمال .

18 . زندگانی امام زین العابدین (ع)، ص 28 .

19 . زندگانی علی بن الحسین (ع)، ص 20 .

20 . زندگانی امام زین العابدین (ع)، ص 30 و 31 .

21 . ریاحین الشریعه، ج 3، ص 14 .

22 . زندگانی امام زین العابدین (ع)، ص 28 . و در متن عربی کتاب، ص 14 و 15 .

البته در روایت دیگر چنین آمده: احتفظ بها و احسن الیها فستلد لک خیر اهل الارض (ر . ک: اصول کافی، ج 2، ص 369) .

23 . زندگانی امام زین العابدین (ع)، ص 39 و 40 .

24 . ر . ک: زندگانی علی بن الحسین (ع) ص 29 - 37 .

25 . ر . ک: زندگانی حضرت امام حسین سید الشهداء (ثارالله)، عمادزاده، ص 127؛ امام سجاد؛ جمال نیایشگران، احمدترابی، ص 17، آستان قدس رضوی، اول، 1373 ش .

26 . ثارالله، ص 126 و 127؛ زندگانی امام زین العابدین (ع)، ص 35 .

28 . ثارالله، ص 127 .

29 . ر . ک: زندگانی امام زین العابدین (ع)، ص 33 و 34؛ امام سجاد؛ جمال نیایشگران، ص 22 .

30 . ر . ک: حماسه حسینی، ج 2، ص 182، بیست و نهم، 1379 ش؛ ثار الله، ص 125 - 128؛ ریاحین الشریعه، ج 3، ص 12؛ زندگانی علی بن الحسین (ع)، ص 11؛ پرسش ها و پاسخ ها، ص 73، 79 و 80 .

نشریه فرهنگ کوثر، بهار 1382، شماره 57